

عتیق رحیمی برای خود و افغانستان افتخار بینظیری آفرید!



سه دهه مردم افغانستان ماجرا های بیشماری را بجان خرید، روز بروز خون دوست و دشمن ریخت و به قعر فاجعه خزید، بخشی بر پا نمودن آتش و خون را انقلاب دیموکراتیک نامید و بخش مخالفش ویرانی و آدم کشی را جهاد مقدس اسلامی تراشید. بخش دیگری که از این معرکه فرار نمود، در پشرفته ترین و آزاد ترین کشورها بیشتر از پیش راه سنت و مسجد را در پیش گرفت و بدین لحاظ از هیچ طرف به واقعیت صدای صلحی به گوش نرسید و عملاً تصویر امید بخشی ظاهر نشد، در چنین فضای تیره و تار فقط از سوی چند فرد گلی بشگفت و یکی گل زیبای عطراگین، اثر عتیق رحیمی است که اخیراً جهان ادب و فرهنگ را به حیرت فرو برد. زیرا کسی را باور نمی شد از کشور عقب مانده

عتیق رحیمی

فوتو: گی یو، اف.تی.پی

ای چون افغانستان که بیشترین دست آورد و افتخار تاریخی مردمش جنگ و خونریزی بوده باشد و غذای برای خوردن و موادی برای خواندن در اختیار نداشته باشد، چگونه ممکن است فردی از آن تبار، ارزنده ترین دست آورد انسانی را که ادب و فرهنگ باشد شهکارش را بیافریند.

کتاب سنگ صبور عتیق رحیمی را نباید صرفاً محصول فرهنگ جامعه فرانسه پنداشت، اگر اینطور بود، چطور ممکن بود، بزرگترین جایزه ادبی گنکور سال ۲۰۰۸ فرانسه را یک نویسنده افغان از چنگ هزاران نویسنده فرانسوی الاصل، که نسل اندر نسل غنی ترین میراث ادبی کشورشان را با خود دارند، می توانست بدست آرد؟

قبل از کتاب سنگ صبور به زبان فرانسوی چند کتاب دیگری نیز از عتیق رحیمی به زبان دری نشر و پخش شده و اثر خاک و خاکسترش که بصورت فلم نیز ساخته شده است به بیش از چهل زبان معتبر جهان ترجمه و به چاپ رسیده و مورد ستایش اهل خرد و قلم واقع شده است، لذا اگر آثار عتیق رحیمی از یکسو نشانگر استعداد عالی فیزیکی و کار و زحمت اوست، از سوی دیگر اندیشه ادبی فلسفی و اجتماعی وی از دو فرهنگ شرق و غرب مایه و تاثیر پذیرفته و در یک کلمه باید گفت «آمیخته» از دو کلتور یا کلتورهای متعدد جهان است.

کشور زادگاه عتیق رحیمی گرچه در یک نگاه سطحی چیزی جز کوه و بیابان نیست و مردمش از حیث مادی فقیرترین مردم جهان بنظر می رسد، اما با اندک دقت و چشم باز تر می توان دره های سبز و خرم و دریاها و خروشان اش را دید و از نزدیک میوه های لذیذ اش را چشید، از لحاظ فرهنگی نیز امتزاج کهن ترین فرهنگ های شرق و غرب را در آن کشور می توان دید، بنا برآن باید گفت تهذاب اندیشه های عتیق رحیمی از افغانستان به

متابه مادرشیرنوشیده، و از فرانسه به متابه دست پدرغذای بزرگ سال را تغذیه کرده است. و بدین گونه کتاب سنگ صبور تنها محصول فرهنگ یک کشور و یا امر ساده و تصادفی نیست.

نکته مهم دیگر اینکه عتیق رحیمی این نویسنده بزرگ و سینماگر ورزیده قلم و دوربین عکاسی اش را صرفاً در راه بدست آوردن پول بکار نبرده، و چیزهای مبتذل و ظاهراً بخاطر سرگرمی مردم عوام را به تصویر نکشیده، او از زندگی و درد و اندوه انسان ها سخن می گوید و سناریو می نویسد که هرکس به آن خوبی در بیان و کارگردانی اش قادر نیست، او در کتاب سنگ صبور از بی زبانی زن افغان با زبان رسا و جذاب سخن می گوید و وجدان های عمیقاً به خواب رفته را تکان داده احساس نوع دوستی و مسوولیت را در بی تفاوت ترین انسان ها بر می انگیزد.

عتیق رحیمی در امور دینی مذهبی همه را متعلق به انسان و خود را در همه شریک می داند و یکی را بر دیگری ترجیح نمی دهد و به قدرت مطلق باور ندارد و مطلق گرایی را رد می کند.

عتیق رحیمی در ارتباط به مسایل سیاسی از مکتب های فلسفی به درستی یکی و یا، نادرستی دیگری سخن نمی گوید ولی از عمل کرد نادرست دولت امریکا در افغانستان و عراق نا رضایتی خود را به صراحت بیان میکند.

بالاخره عتیق رحیمی پس از دریافت جایزه ادبی گنکور و در اوج خوشی و افتخار متوجه است که چند جوان هموطنش با چه محرومیت و دشواری مرگبار خود را به فرانسه رسانده اند و به خاطر ادامه زندگی خود و امید بدست آوردن کار و لقمه نانی برای فامیل های شان با دست خالی و رفتن به لندن چشم به بحر بیکران دوخته اند، اما خبر می شود که کشورهای حامی دفاع از حقوق بشر تصمیم دارند آنها را به افغانستان و بکام مرگ برگردانند و عتیق رحیمی با صدای بلند می گوید: " آنها را بپذیرید و بگذارید مثل من در فرانسه درس بخوانند، و به زندگی شان ادامه دهند."

پایان